



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



# پیشوای خیرخواهان

حمیدرضا تهرابی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# پیشوای خیرخواهان

نویسنده:

حمیدرضا ترابی

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	پیشوای خیرخواهان
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	خیر و معانی و جلوه‌های آن
۸	خیرخواهی و نصیحت
۸	اشاره
۹	خیرخواهی در کربلا
۹	اشاره
۱۰	خیرخواهی برای دین خدا
۱۰	خیرخواهی برای امت
۱۰	خیرخواهی برای خویشاوندان و دیگر اشخاص
۱۱	خیرخواهی برای مقام خلافت
۱۱	خیرخواهی برای حرم خدا
۱۲	خیرخواهی برای نسل پیامبر (امام بعد از خود)
۱۲	خیرخواهی برای زنان اهل حرم
۱۲	خیرخواهی برای دشمنان
۱۳	نتیجه
۱۳	خاتمه: تأملی در یک پرسش
۱۳	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## پیشوای خیرخواهان

### مشخصات کتاب

عنوان: پیشوای خیرخواهان  
 پدیدآورندگان: امام سوم حسین بن علی (ع) (توصیف گر)  
 حمیدرضا ترابی (پدیدآور)  
 زبان: فارسی  
 صاحب محتوا: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان  
 توصیفگر: فضایل ائمه (ع)  
 خیر خواهی  
 وضعیت نشر: قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷  
 یادداشت: , ملزومات سیستم: ویندوز ۹۸+؛ با پشتیبانی متون عربی؛ +IE۶ شیوه دسترسی: شبکه جهانی وبعنوان از روی صفحه  
 نمایش عنوان داده های الکترونیکی  
 شناسه: [oai:tebyan.net/۳۲۱۸](http://oai.tebyan.net/۳۲۱۸)  
 تاریخ ایجاد رکورد: ۱۳۸۷/۱۰/۲۱  
 تاریخ تغییر رکورد: ۱۳۸۷/۱۰/۲۱  
 تاریخ ثبت: ۱۳۸۹/۶/۲۸  
 قیمت شیء دیجیتال: رایگان

### مقدمه

خیر مفهومی آسمانی و از زیباترین واژه‌ها در ادبیات زندگی و یاد آور عالی‌ترین تجلیات جان انسان است. خیرخواهی همواره یکی از فضائل و ملکات اخلاقی بوده، که فوائد آن محصور به افراد نیست، بلکه آحاد جامعه از آن بهره‌مند می‌شوند. از زاویه‌ای دیگر، آمیختگی خیرخواهی با «امر به معروف و نهی از منکر» روشن و آشکار است. از این جا سرّ فرمایش پیامبر اکرم (ص) معلوم می‌شود که فرمود: حسین امام خیر است. می‌دانیم که برهمگان لازم است امام را در همه شئون خود الگوی خویش قرار دهند، در معنای امام می‌نویسند: «الامام، المؤمن به، انسان کان یقتدی بقوله او فعله او کتابه» او غیر ذلک؛ امام آن است که از او متابعت شود، خواه انسانی باشد که از گفتار و رفتارش پیروی می‌شود یا کتابی یا غیر آن. در این مجال، ابتدا در معنای واژه خیر و سپس در مبحث خیرخواهی و نصیحت درنگی کوتاه صورت گرفته و آن‌گاه گفتاری گذرا و چکیده پیرامون مواردی از خیرخواهی امام حسین (ع) در جریان نهضت عاشورا طرح شده و در پایان خواننده محترم به تأمل در یک پرسش دعوت گردیده است.

### خیر و معانی و جلوه‌های آن

۱- خیر اسم تفضیل به معنای نیکوتر و بهتر و از اسمای جمال الهی می‌باشد که ۱۷۶ بار در قرآن کریم ذکر شده است. این اسم شریف از آن جهت بر خداوند اطلاق می‌شود که او خیر مطلق است و هیچ شر و بدی از او صادر نمی‌شود؛ خیر به معنای برگزیدگی

و نیکویی نیز آمده است، چنان که در زیارت عاشورای ابی عبدالله (ع) می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَيْرَهُ اللَّهُ وَ ابْنِ خَيْرَتِهِ»؛ راغب اصفهانی در مفردات می‌گوید: خیر چیزی است که همه در آن رغبت کنند و مایل باشند و در یک کلام هر چیز نافع و سودمند، همچون عقل و فضل و عدل را گویند. پس خیر اسم حق است و خیر خواهان مظاهر حق هستند. ۲- از این اسم شریف الهی این نکته اخلاقی استفاده می‌شود که برای همگان خیر خواه باشیم، چنان که در تاریخ بشر بعضی از افراد بدین سبب کلمه خیر را لقب خود کردند، مانند سعد بن عبدالملک که از فرزندان عبدالعزیز بن مروان بود و امام جعفر (امام باقر یا امام جواد (ع)) او را سعد الخیر نام نهاد. نوشته‌اند روزی گریه کنان بر امام (ع) وارد شد، در حالی که مانند زنان شیون می‌کشید. امام (ع) پرسید: چرا می‌گریی. عرض کرد: چرا گریه نکنم در حالی که از شجره معلونه در قرآن (یعنی خاندان اموی) هستم. امام (ع) به او فرمود: تو از آنها نیستی، تو گر چه به حسب خانوادگی اموی هستی، ولی در واقع از ما اهل بیت هستی «انت مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ»؛ آیا نشنیدی که خدای عزوجل در حکایت از حال ابراهیم (ع) فرمود: «فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي؛ هر کس از من تبعیت کند از من است». ۳- البته خیر مدارج و مراتبی دارد که اهل البیت: چون عالی‌ترین جلوه حق تعالی و مظهر تام و تمام اسما و صفات الهی هستند، بالطبع برترین تجلی خیر نیز می‌باشند، چنان که در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «و فعلکم الخیر و عادتکم الاحسان»؛ کار شما خیر محض و شیوه شما احسان و نیکی است. و هرگاه ذات، خیر محض شد همه مواردش از گفتار تا نوشتار اعمال و افکار و از جوارح تا جوانح همه خیر خواهد بود، چنان که در زیارت جامعه کبیره آمده است: «ان ذکر الخیر کنتم اوله و اصله و فرعه و معدنه و مأویه و مُنتهاه؛ اگر یادی از خیر بشود، شما آغاز آن و بن آن و شاخه و جایگاه و نهایت آن هستید». پس اهل بیت: انتهای خیرند و دیگران در خیر بودن با آنها سنجیده می‌شوند و در واقع آنها معیار خیر هستند. در بعضی از زیارت‌نامه‌ها - از جمله زیارت‌نامه حضرت معصومه (س) و حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) - خطاب به نبی اکرم آمده است: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللَّهِ؛ سلام بر توای برترین مخلوقات خدا». در واقع - چنان که در جای خود بیان شده است - اهل بیت علت غایی هستی می‌باشند و همه وجود برای به بار نشستن گل سرسبد هستی که همان انسان کامل است خلق شده است و از آن طرف، کمال غایی و مطلوب همه موجودات عالم، نزدیک شدن به مقام انسان کامل و خلیفه الله فی الارض است. عکس مطلب نیز صادق است: «لَا خَيْرَ لِمَنْ لَا دِينَ لَهُ؛ کسی که دین ندارد، خیری در او نیست». زیرا در گوهر ذاتش از خیر خبری نیست، در هیچ مرحله‌ای از او توقع خیر نمی‌رود؛ نه در گفتار نه در نوشتار و نه در تیات و نه در اعمال. ۴- وجود امام خیر محض است و تصرفات امام (ع) به اذن خداوند، در کائنات و در قلب‌ها و عقل‌های انسان‌های مستعد خیر دیگری از الطاف بیکران الهی است. وجود امام خود معجزه عینی مکتب رسول خدا (ص) است و در کنار قرآن که معجزه قولی است و نیز معجزات فعلی پیامبر (ص) قرار می‌گیرد و مکمل آنها می‌شود، چنان که امام رضا (ع) در توصیف مقام شامخ امامت با اشاره به خیر محض بودن امام چنین می‌فرماید: «امام مانند خورشیدی طلوع کننده است که نورش عالم را فراگیرد و خودش در افق است بدان نحو که دست‌ها و دیدگان به آن نمی‌رسد. امام ماه تابان و چراغ فروزان و نور درخشان و ستاره‌ای است راهنما در شدت تاریکی‌ها و رهگذر شهرها و کویرها و گرداب دریاها (یعنی زمان جهل و فتنه و سرگردانی مردم). امام آب گوارای زمان تشنگی و رهبر به سوی هدایت و نجات بخش از هلاکت است. امام آتش فروزان روی تپه (راهنمای گمگشتگان) است، گرما بخش سرمازدگان و راهنما در هلاکت‌گاه‌هاست، هر که از او جدا شود هلاک گردد. امام ابری است بارنده، بارانی است شتابنده، خورشیدی است فروزنده، سقفی است سایه دهنده، زمینی است گسترده، چشمه‌ای است جوشنده و برکه و گلستان است. امام همدم و رفیق، پدر مهربان، برادر برابر، مادر دلسوز به کودک، و پناه بندگان خدا در گرفتاری سخت است...» حضرت سیدالشهدا (ع) در میان انوار معصومین (ع) درخشندگی خاص دارد و درپاره‌ای از خصایص منحصر به فرد است، از جمله این ویژگی‌ها می‌توان موارد ذیل را برشمرد: ۱- هر کس قبر مطهرش را زیارت کند مثل کسی است که خدا را در عرشش زیارت کرده باشد. ۲- هر کس بر مصیبت شهادتش شعری بخواند و بگرید و یک نفر را بگریاند برای هر دو نفر آنها بهشت نوشته می‌شود. ۳- خاک تربت امام حسین (ع)

داروی شفا بخش هر دردی است. ۴- سجده بر تربت امام حسین (ع) حجابهای هفتگانه را (که مانع تقرب است) از بین می‌برد و... ۵- مطلب شایان گفتن این است که موجود از آن حیث که موجود است و جعل الهی به آن تعلق گرفته است خیر است و شر و بدی، از قبیل جهل و آفت، اموری عدمی هستند، و از این رو استناد بی واسطه آنها به واجب تعالی جایز نیست. به عبارت دیگر، هر چه خیر و خوبی در عالم است از حق تعالی است و ریشه رحمانی دارد و هر چه که به آن شر و بدی گفته می‌شود در واقع چیزی غیر از فقدان خیر و خوبی نیست، چون امر عدمی است و جود و مصداق حقیقی خارجی ندارد. بله وجود اعتباری دارد که البته آن نیز بالعرض مستند به خداست؛ زیرا خارج از اراده کلی حق تعالی نیست. با این بینان معنای روشن تری از آیه شریفه: بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر به دست می‌آید. ۶- مطلب دیگر آن که حکما امورات و اشیای عالم را در مقام تصوّر به پنج دسته تقسیم کرده‌اند: خیر مطلق؛ خیر کثیر باشرف قلیل؛ خیر و شر برابر؛ خیر قلیل و شر کثیر؛ شر مطلق. آنها اثبات می‌کنند که سه قسم اخیر در نظام هستی آفریده نشده است، زیرا با حکمت الهی ناسازگار است، ولی قسم دوم (یعنی شر قلیل همراه با خیر کثیر) موجود است و البته در این جا هم شرّ امری نسبی است و در نگاهی دیگر خود خیر است، زیرا لازمه نظام احسن و حکمت بالغه حق تعالی است. لذا تصویر واقعه کربلا در نگاه عقیده بنی هاشم زینب کبری (س) این است: «ما رأیت اءلاً جمیلاً یعنی جز زیبایی و خوبی و خیر از خدا ندیدم.» سرسخن زینب (س) در آن است که چون آن مصائب احیای دین را در پی دارد آسان و زیباست، هر چند در نگاهی دیگر جانکاه باشد. و این منطق اهل بیت (ع) است که همه باید فدا شویم تا دین خدا بماند و البته که در مقابل چنین هدف والایی، در صورت لزوم همه چیز فدا شدنی است، حتی امام معصوم. به همین جهت است که ابی عبدالله (ع) با کمال عزت و افتخار آماده شهادت بود و می‌فرمود: «ما أهون الموت علی سبیل العزّ واحیاء الحقّ، لیس الموت فی سبیل العزّ الاّ حیاة خالدة... وَلَکِنِّکُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلٰی هَدْمِ مَجْدٰی وَ مَحْوَرِ عِزَّتٰی وَ شَرَفٰی؛ چه آسان است مرگ در راه عزت و شرافت و احیای ارزش‌های الهی. مرگ در راه عزت و آزادگی چیزی جز زندگی جاودانه و پرافتخار نیست... شما نخواهید توانست شکوه مرا نابود سازید و عزت و افتخار و شرف مرا خدشه دار کنید.» ۷- نکته درخور قابل توجه این که خداوند فقط به خیر و خوبی راضی است و هیچ‌گاه به شر و بدی راضی نیست، ولی در عین حال هیچ امری از امور عالم خارج از اراده تکوینی او واقع نمی‌شود، گرچه مخالف اراده تشریحی باشد: «کَلَّا نُمَدُّ هُوْلًا وَ هُوْلًا مِّنْ عَطَاءِ رَبِّکَ وَ مَا کَانَ عَطَاءَ رَبِّکَ مَحْظُورًا؛ لذا فجایع کربلا و شهادت امام (ع) نیز از یک نظر خواست خدا بود، گرچه هیچ‌گاه خداوند راضی به ریخته شدن خون امام برگزیده خودش و اسارت اهل بیت شریفش نبوده.»

## خیرخواهی و نصیحت

### اشاره

۱- خیرخواهی برای دیگران یکی از جلوه‌های خیر است. در لغت عرب واژه نصیحت به معنای خیرخواهی آمده است. البته اصل نصیحت در لغت به معنای خلوص است، چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: (توبوالی الله توبه نصوحاً) یعنی خالصاً. ولی این نیز به نحوی به همان معنای خیرخواهی بازگشت می‌کند. ۲- در قرآن کریم خیرخواهی و نصیحت از صفات انبیا: معرّفی شده است، لذا همه مصلحان واقعی با الگوگیری از انبیای الهی انسان‌هایی ناصح و خیر خواه بودند و هستند، امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «أَمْحَضَ أَخَاکَ بِالنَّصِيحَةِ؛ نصیحت و خیرخواهی را برای برادر دینی‌ات خالص کن.» در جای دیگر می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ غَرِزَتُهُ النَّصِيحُ؛ سرشت و فطرت مؤمن خیرخواهی و نصیحت است.» و رسول اکرم (ص) در کلامی رسا فرمود: «الدِّينُ النَّصِيحَةُ؛ یعنی حقیقت و گوهر و جوهره دین، همان نصیحت و اخلاص و خیرخواهی است. ۳- نصیحت و خیرخواهی گاهی برای اشخاص است و گاهی برای اجتماع، گاه بازبان و با قلم است و گاهی به دل و گاهی با عمل و گاهی با سکوت و گاهی با خروش. در روایت معصومین: می‌خوانیم:



هر کس پنج خصلت را برای من ضمانت کند بهشت را برایش ضمانت می‌کنم؛ نصیحت و خیر خواهی برای خدا و برای پیامبر (ص) و برای قرآن و برای دین خدا و برای همه مسلمین. شیخ طریحی در مجمع البحرین در توضیح این روایت می‌نویسد: نصیحت برای خدا همان اعتقاد در وحدانیت او و اخلاص در نیت عبادت و یاری حق در راه خداست، و نصیحت برای قرآن همان تصدیق به آن و عمل به رهنمودهای قرآن و دفاع از آن در برابر تأویل جاهلان و تحریف غالیان و حملات دشمنان است و نصیحت برای رسول خدا (ص) تصدیق به نبوت و رسالت او و انقیاد و فرمانبرداری از امر و نواهی اوست. از این جا روشن می‌شود که معنای «النصیحة لائمة المسلمین» آن است که مؤمن نباید از آنچه که شرط خیر خواهی است، در مقام مشاور برای ائمه فروگذار کند و در مرحله آخر، آنچه شرط اخلاص و فرمانبری است به جا آورد و مطیع اوامر و نواهی باشد، چنان که گفته‌اند: «النصیحة لائمة المسلمین هی شدة المحبة لهم وعدم الشك فيهم و شدة متابعتهم فی قبول قولهم و فعلهم و بذل جهدهم و مجهورهم فی ذلك». ۴- از بعضی از روایات استفاده می‌شود که حتی آتش جهنم که به ظاهر عذاب برای جهنمیان است به نوعی خیر خواهی است، هم برای دیگران و هم برای خود آنها، زیرا موجب می‌شود گناهانشان پاک شود و از سنگینی گناه آسوده شوند و بتوانند به سوی بهشت حق پرواز کنند. ۵- نکته‌ای که در خیر خواهی باید همواره مورد توجه قرار گیرد آن است که خیر خواه باید غیور باشد؛ یعنی در ابتدا سعی کند خودش اصل خیر باشد تا عملش از مجازیت در آید و با حقیقت پیوند پیدا کند. پس شایسته است که شخص خیر خواه، خود، در وادی خیر باشد و پیشتاز عرصه خوبی‌ها. شاید جمله شیخ الرئیس بوعلی در اشارات که فرمود: «عارف غیور ست» تنبیه بر همین معنا باشد، زیرا عارف همواره در صدد آن است که گامی از دیگران به محبوب نزدیک‌تر باشد و این مقتضای غیرت است، چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «قوا أنفسکم و اهلیکم ناراً؛ خودتان و اهلتان را از آتش دور نگه دارید». ۶- باید توجه داشت که در اسلام نصیحت کننده و نصیحت شنونده هریک شرایط و آداب و احکامی دارند که باید آنها را مراعات نمود. ۷- نکته آخر این که نصیحت هیچ گاه زشت نیست، گرچه بسا شنونده آن را به جهتی زشت بشمارد و بسا ناصح و خیر خواه که قدرش را نداند و در حقش جفا و بی مهری کند و به جای سپاسگذاری با او دشمنی و عداوت نمایند. متأسفانه آن طور که تاریخ نشان می‌دهد غالباً خیر خواهان مورد بی لطفی و جسارت یا حتی آزار و اذیت و بلکه تهدید و شهادت قرار گرفته‌اند و البته این نبود مگر به تلبیس شیطان و ائمه کفر و جهالت عوام، چنان که قرآن کریم در حکایت از گفتگوی حضرت صالح (ع) با قومش می‌فرماید: «وقال یا قوم لقد ابلغتکم رسالة ربی و نصحت لکم ولكن لا تُجِبون الناصحین؛ و گفت: ای قوم، به درستی که رسالت خدایم را به شما رساندم و برای شما خیر خواهی کردم، ولی شما خیر خواهان را دوست نمی‌دارید.» و در جای دیگری می‌فرماید: «او کَلِّمنا جاء کم رسول بما لا تهوی انفسکم استکبرتم ففریقاً کذبتم و فریقاً تقتلون؛ آیا هر گاه که رسولی برای شما آمد که نفستان نپسندید، گروهی را سرکشی کردید و گروهی را کشتید.» چنان که در تاریخ آمده است هنگامی که امام (ع) برای نصیحت و خیر خواهی سپاه کوفه در مقابل آنها به خطابه ایستاد کوفیان هلهله می‌کردند تا صدای امام به آنها نرسد و آخر کار سنگی به پیشانی امام زدند و عمامه امام خون آلود شد و با بی مهری کوفیان مواجه شد و باز گشت.

## خیر خواهی در کر بلا

### اشاره

امام حسین (ع) که انسان کامل و مظهر کلمه الله و تجلی اسماء و صفات حق تعالی است عالی‌ترین معنای خیر و برترین مصداق ناصح و خیر خواه در میان مخلوقات است، چنان که رسول اکرم (ص) خبر داد که در آسمان‌ها امام حسین (ع) را امام خیر نامیده‌اند و به اُبی بن کعب فرمود: ای اُبی، قسم به کسی که مرا به حق مبعوث کرد، حسین بن علی در آسمان بزرگ‌تر از آن است که در

زمین مشهور است، بر سمت راست عرش خدا نوشته شده است که حسین چراغ هدایت و کشتی نجات امت و پیشوای خیر و برکت و عزت و افتخار و دانش و شرافت است «انَّ الحسین مصباح الهدی وسفینه النجاه و امام خیر و یمن عز و فخر و علم دُخر». روح خیرخواهی ابی عبدالله (ع) خصوصاً در حماسه بزرگ کربلا- نمایشگاهی بزرگ از فضائل و کرامات انسانی را در پیش چشمان بشریت به تماشا می‌گذارد. حرکت و قیام امام حسین (ع) سراسر خیرخواهی بود، خیرخواهی برای خدا و برای دین خدا و برای قرآن و برای رسول خدا (ص) و برای مردم. حضرت ابی عبدالله (ع) تا لحظه آخر حتی از خیرخواهی برای دشمنانش کوتاهی نکرد و این از اسرار کربلاست که کمتر به آن پرداخته شده است. در پی مواردی از خیرخواهی امام حسین (ع) در واقعه کربلا- را با رویکردی به سخنان آن بزرگوار از نظر می‌گذرانیم؛

### خیرخواهی برای دین خدا

خیرخواهی از اصلی‌ترین انگیزه‌های قیام امام حسین (ع) برای دین خدا بود، زیرا می‌دانست اگر امر دین خدا احیا گردد همه خیر به تدریج رو به بهبودی خواهد نهاد و اگر دین تو خالی و بی‌محتوا گردد همه چیز به فساد خواهد گرایید، لذا در خطبه منی - درحجی که یک سال پیش از مرگ معاویه به جا می‌آورد - خطاب به عده‌ای از صحابه و تابعین فرمود: «قد ترون عهود الله منقوضه فلا تقرعون؛ دیدید که پیمان‌های الهی شکسته شد، ولی چیزی نگفتید.»... «و اسئلمتم امور الله فی ایدیهیم یعملون بالشبهات و ویسرون فی الشبهات... جرأة علی الجبار؛ و امور الهی را به دست آنان سپردید و آنان به شبهات عمل می‌کنند و در راه خواهش‌های نفسشان راه می‌سپزند، در حالی که بر خدای جبار سرکشی می‌نمایند.» و آن‌گاه در تبیین قصد و نیت خود برای قیام در برابر یزید در حالی که خدا را شاهد گرفت فرمود: «اللهم انک تعلم انه لم یکن ما کان منّا تنافساً فی سلطان، ولا التماساً من فضول الحطام، و لکن لئری المعالم من دینک و تطهر الإصلاح فی بلادک... و یعمل بفرائضک و سنتک و احکامک؛ خدایا تو می‌دانی که هیچ حرکتی از ما برای مسابقه بر سر حکومت و قدرت یا متاع دنیا نیست، بلکه آموزه‌های دین تو مقصود ماست تا اصلاح را در زمین آشکار کنیم... و به فرمان‌ها و دستورات و احکام تو عمل شود.» امام (ع) بعد از مرگ معاویه با همین منطق در پاسخ به مروان که گفته بود «خیر تو در این است که با یزید بیعت کنی» فرمود: «انا لله وانا الیه راجعون، علی الاسلام السلام اذا بلیت الامة براع مثل یزید؛ همه از خدایم و به سوی او باز می‌گردیم، فاتحه دین اسلام را باید خواند اگر امت گرفتار حکومت یزید شود.» بنابراین دغدغه اصلی امام (ع) بدعت زدایی از دین و برپایی سنت ناب رسول الله (ص) بوده، در نامه امام (ع) به اهل بصره آمده است: «فان السنة قد امیتت و انَّ البدعة قد احيیت؛ سنت میرانده شده و بدعت‌ها آشکار شده است.» در راه احیای دین خدا، آن چه که مقصود امام حسین (ع) بود رضایت حق تعالی بود، لذا امام (ع) بر سر قبر پیغمبر (ص) از خدای بزرگ می‌خواهد تا رضای حضرتش را برای او مقدر کند: «اسئلك يا ذالجلال و الاکرام بحق هذا القبر و من فيه الا ما اخترت من امری هذا ما هو لك رضی؛ ای خدای صاحب جلال و کرم از تو به حق این قبر و آن که در اوست می‌خواهم در این پیشامد آنچه رضای تو است برای من برگزینی.»

### خیرخواهی برای امت

از مقاصد مهم قیام ابی عبدالله (ع) خیرخواهی آن بزرگوار برای امت جدش بود. این معنا در وصیت امام (ع) به برادرش محمد بن حنفیه به روشنی دیده می‌شود: «اننی لم اخرج اشرا ولا بطرا ولا مفسدا ولا ظالما و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی؛... بلکه من فقط برای اصلاح امور امت جدم به پا خواسته‌ام.»

### خیرخواهی برای خویشاوندان و دیگر اشخاص

همیشه کسانی که با مقاصد حقیر دنیوی دست به حرکتی می‌زنند درصدد آن هستند که به هر قیمت و با هر وعده دروغینی که شد جماعت را با خود همراه کنند. اما امام حسین (ع) چون قصدش خیرخواهی برای همگان است چیزی را از کسی کتمان نمی‌کند، لذا بدون هیچ توضیحی اضافی به بنی هاشم می‌نویسد: «فان من لحق بی منکم استشهد ومن تخلف لم یبلغ مبلغ الفتح والسلام؛ هر کس از شما به من بیوندد شهید خواهد شد و هر کسی تخلف کند به گشایشی نخواهد رسید.» چنانچه هنگامی که خواست از مکه به طرف کوفه حرکت نماید فرمود: «من کان باذلاً - مهجته و موطناً علی لقاء الله نفسه فلیرحل معنا؛ یعنی هر کس حاضر است خون عزیزش را ارزانی کند و خویشتن را آماده دیدار حق تعالی کرده است با ما کوچ کند.» اما در همان حال، وقتی که اشخاصی را برای همراهی با خویش لایق می‌دید با اصرار زیاد از آنها برای حضور در کربلا دعوت می‌فرمود. زهیر بن قین یکی از این اشخاص است که رابطه خوبی هم درباره اهل بیت: نداشت، ولی امام (ع) از او شخصاً دعوت کرد. امام (ع) با همین منطقی بود که در شب عاشورا بیعت را از دوش همگان برداشت.

### خیرخواهی برای مقام خلافت

در نگاه ابی عبدالله (ع) مقام خلافت یک جایگاه الهی و مقامی مقدس است که هیچ‌گاه نباید اجازه داد ارزش و قداست آن، آن‌قدر پایین بیاید که مثل یزیدی بر کرسی خلافت تکیه زند و این همان سفارش پیامبر اکرم (ص) بود که مبنای عمل امام حسین (ع) قرار گرفت: «ولقد سمعت جدی یقول ان الخلافة محرمة علی ولد ابی سفیان؛ من خودم از جدم شنیدم که فرمود خلافت بر آل ابی سفیان حرام است.» معاویه حداقل برخی از ظواهر را رعایت می‌کرد، ولی یزید به هیچ روی پایبند احکام نبود و حتی حاضر نبود تظاهر به دین داری کند. امام حسین (ع) در جاهای مختلف این حقیقت را بیان فرمود و با اعتقاد به آن به بیعت با یزید تن نداد، چنان که به ابن الزبیر فرمود: «ائی ابایع لیزید و یزید رجل فاسق معین الفسق یشرب الخمر ویلعب بالکلاب و الفهود ویبغض بقیة آل الرسول (ص) لا - والله لا یكون ذلك ایداً؛ آیا با یزید بیعت کنم، درحالی که او مردی فاسق است و آشکارا گناه می‌کند و شراب می‌خورد و با سگان و یوزپلنگان بازی می‌کند و بازماندگان آل رسول (ص) را دشمن می‌دارد، نه به خدا سوگند هرگز چنین نخواهد شد.» در جای دیگر بعد از بیاناتی نظیر همین گفتار می‌فرماید: «مثلی لا یبایع لمثله؛ مثل منی با مثل یزیدی بیعت نمی‌کند.» در نقل دیگر: «ومثلی لا یبایع مثله» آمده است. در واقع، از نظر امام (ع) در جایی که اساس دین در خطر باشد تقیه و پنهان کاری جایز نیست، زیرا سکوت شخصیتی چون امام حسین (ع) تأیید خلافت جور و موجب هدم اساس دین است. لذا وقتی که ابن عمر گفت: «با یزید بیعت کنید شاید یزید زود مرد و از شرش خلاص شدید» امام (ع) فرمود: «أف لهذا الکلام ابدأ ما دامت السموات والارض؛ اف براین سخن تا آسمان‌ها و زمین برقرار است.»

### خیرخواهی برای حرم خدا

مکه حرم امن الهی است و بر اساس احکام اسلام هیچ کس حق ندارد در محدوده حرم الهی متعرض دیگران شود. امام (ع) برای این که زیر بار بیعت یزید نرود، راه مکه را در پیش گرفت و مدت چندماه در آن جا درنگ فرمود تا ایام حج فرا رسید و احرام حج پوشید. اما وقتی دید دشمن برکشتن او تصمیم قطعی دارد اعمال حج را نیمه کاره گذاشت و لباس احرام را از تن درآورد و نیت حج را به عمره تبدیل کرد تا مبادا خون امام معصوم در سرزمین امن الهی ریخته شود، زیرا امام حسین (ع) خود بهتر از هر کسی می‌دانست که حرمت این حرم با هر تدبیری که شده باید حفظ شود. لذا وقتی که ابن عباس گفت: ای پسر رسول خدا، شنیده‌ام از مکه می‌خواهی بیرون بروی و عزم عراق داری، تو می‌دانی که آنها اهل نیرنگ هستند، در مکه بمان. امام (ع) فرمود: «لان اقتل والله بمکان کذا احب الی من ان استحل بمکة؛ بی شک اگر در چنین مکانی کشته شوم نزد من بهتر از آن است که حرمت مکه (با

کشته شدن من که حجت خدایم) پایمال شود.» در جای دیگر به ابن الزبیر فرمود: «و الله لئن اُقتل خارجاً منها بشیر احب الی من اُقتل داخلها منها (او فیها) بشیر؛ به خدا قسم اگر یک وجب بیرون حرم کشته شوم برای من دوست داشتنی تر از آن است که یک وجب داخل حرم باشم.» جالب است که سال‌ها بعد از واقعه کربلا مردی از اهل عراق از «ابن عمر» درباره احکام شرعی کسی که در حال احرام - در سرزمین مکه - ملخ و مورچه و شپش را بکشد سؤال کرد. او - با همه خباتی که داشت - گفت: عجب از مردمی که پسر دختر پیغمبرشان را می‌کشند و درباره کشتن این چیزهای حقیر سؤال می‌کنند.

### خیرخواهی برای نسل پیامبر (امام بعد از خود)

حفظ جان امام از اهل بیت پیامبر (ص) بر همگان واجب است تا زمین خالی از حجت خدا نماند. دیلمی روایت می‌کند که رسول خدا (ص) فرمود: «اهل بیتی امان لاهل الارض فاذا ذهب اهل بیتی ذهب اهل الارض؛ اهل بیت من امان برای اهل زمین هستند، پس هرگاه زمین از ایشان خالی شود اهل زمین نابود خواهند شد.» لذا امامان: خود بیشترین اهتمام را به حفظ نسل پیامبر (ص) داشتند. تاریخ می‌نویسد در عصر عاشورا هنگامی که امام سجاد (ع) با حال مریضی از خیمه خارج شد تا به میدان مبارزه برود، ام‌کلثوم از پشت سرش فریاد می‌زد: پسرم برگرد. امام سجاد (ع) که بیش از این طاقت دیدن مظلومیت پدر را نداشت جواب داد: عمه جان، مرا واگذار تا کنار پسر رسول خدا بجنگم. در این حال، امام حسین (ع) آنها را دید و فرمود: اما کلثوم، او را بگیر تا زمین از (امام معصوم) نسل آل محمد (ص) خالی نشود! یا ام‌کلثوم! خذیه لئلا تبقی الارض خالیة من نسل آل محمد (ص). و این قضیه نظیر همان واقعه‌ای بود که در صفین برای خود ابی‌عبدالله (ع) و برادرش امام حسن مجتبی (ع) پیش آمد، آن‌جا که امام علی (ع) او و برادرش را از جنگ تن به تن با دشمن بر حذر داشت تا مبادا نسل پیامبر قطع شود.

### خیرخواهی برای زنان اهل حرم

نیک اندیشی و خیرخواهی برای زنان و کودکان، حکم فطرت و مورد قبول و پذیرش همه انسان‌هاست، خصوصاً اگر زنان و کودکانی باشند که از خانواده نجیبان و بزرگ زادگان باشند. اگر کسی این حکم فطرت را زیر پا نهاد باید به او تذکر داد، اما این برای کسی است که خود اسیر چنگال پست فطرتان و سفالگان بیرحم نباشد، ولی امام (ع) که مظهر غیرت الله بود در حالی که خون از سر و روی مبارکش می‌چکید و رمق چندانی نداشت هنگامی که سپاهیان دشمن رو به خیمه‌ها نهادند به فکر زنان و کودکان اهل حرم بود و فریاد زد. شمر گفت: ای پسر فاطمه، چه می‌گویی؟ امام (ع) فرمود: «انا الذی اقاتلکم و تقاتلونى والنساء لیس علیهن جناح فامنعوا عتاتکم و طغاتکم و جهالکم عن التعرض لحرمی ما دمت حیاً؛ من هستم که با شما می‌جنگم و شما با من می‌جنگید، زنان داخل در نبرد نیستند. پس سرکشان و طغیانکاران و نادان‌هایتان را از تعرض به حرم من باز دارید تا من زنده‌ام.»

### خیرخواهی برای دشمنان

گرچه خیرخواهی برای دوستان پسندیده است، ولی این ویژگی در بیشتر مکاتب ارزشی یافت می‌شود. اما آنچه که در این باره مکتب اهل بیت: را ممتاز می‌سازد آن است که حتی برای دشمنان خود نیز خیرخواهی می‌کردند. لذا امام (ع) در مواجهه با سپاه حر، اولین کاری که انجام داد این بود که آنها را و اسبان‌شان را سیراب کرد. تا روز عاشورا نیز امام (ع) پیوسته می‌کوشید آتش جنگ دیرتر شعله ور شود و سپاه حق آغاز کننده جنگ نباشد. حضرت سید الشهداء (ع) مدام آنها را نصیحت می‌کرد و از امام کشی بر حذر می‌داشت و از این که خون ولی خدا دامنگیرشان شود، آنها را بیم می‌داد، چنانچه به «عمر سعد» ملعون فرمود: «أعلى قتلى تُحاثون، اما والله لا تُقتلون بعدی عبداً من عباد الله اسخطه علیکم لقتله منی... ألا والله لو قتلتمونی لقد ألقى الله بأسکم بینکم و سفیک

دِماء کم، ثمَّ لَا يَرْضَى إِلَيْكُمْ حَتَّى يُضَاعِفَ لَكُمْ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ؛ آیا بر قتل من مشتاقید. آگاه باشید به خدا قسم که بعد از من بنده‌ای از بندگان خدا را که کشتنش بر شما دشوارتر باشد نخواهید کشت. هان، به خدا قسم که اگر مرا بکشید، خدا دشمنی بینتان می‌اندازد و خون‌هایتان ریخته می‌شود، و هیچ‌گاه از شما راضی نمی‌شود تا آن که دوچندان گرفتار عذاب دردناک شوید.»

## نتیجه

خیر از اسمای حسناى حق تعالی است و به این معناست که ذات حق تعالی خیراست و لذا هر چه از او صادر می‌شود خیر محض است. در سلسله موجودات، انسان کامل که گل سر سبد هستی است چون برترین مظهر و مجلای حق تعالی است بهترین نمود اسم «خیر» نیز می‌باشد. با این مقدمه بهتر می‌توان معنای سخن نبی مکرم (ص) را فهمید که فرمود: «حسین امام و پیشوای خیر و برکت و عزت و افتخار و دانش و شرافت است». و البته ذکر این موارد به عنوان نمونه است، و گرنه امام حسین (ع) امام و سرآمد همه فضیلت‌هاست. در حقیقت امام حسین (ع) یک «وجود خیری» است که در همه عرصه‌های حیات سراسر افتخار و عزت خویش حضور شایسته یافته است، به طوری که حتی در دشوارترین آزمایش الهی زندگانی خویش یعنی در آوردگاه رسالت کربلایی شدن، این معنا را در حد اعلی به منصه ظهور می‌رساند. سیدالشهدا (ع) حرکت خویش را از همان ابتدا بر مبنای خیرخواهی برای دین خدا و امت پیغمبر (ص) و مقام مقدس خلافت شروع می‌کند و با خیرخواهی برای خانواده و پیروان و حرم امن الهی دنبال می‌کند و تا لحظه آخر برای هیچ کس جز خیر آرزو نمی‌کند، حتی برای دشمن و حتی برای مرکب دشمن. این‌جاست که تاریخ از این همه خیرخواهی ابی عبدالله (ع) انگشت حیرت به دندان می‌گیرد و این درسی است که باید در مکتب حسینی آموخت و بدان پایند بود و بنا و مبنای زندگی انسانی در حوزه حیات معقول قرار داد.

## خاتمه: تأملی در یک پرسش

دیدیم که سیدالشهدا (ع) مظهر خیرخواهی است و در بروز کمالات انسانی تابدان جا پیش رفت که «آبروی عالمیان و آدمیان» شد. اکنون تأملی در این پرسش می‌کنیم که آیا سزاوار نبود کسی برای امام حسین (ع) خیرخواهی کند، او که حتی برای اسب‌های دشمن خیرخواهی کرد چه می‌شد اگر کسی به کودک شش ماهه‌اش جرعه آبی می‌نوشاند تا لااقل تشنه کام نمیرد، چه می‌شد اگر بعد از شهادت بر پیکرش اسب نمی‌تاختند و زنان و کودکان حرم را آن‌گونه مورد بی حرمتی قرار نمی‌دادند. و آیا یک خیرخواه در میان آن جماعت نبود، وقتی که امام حسین (ع) فریاد زد: آیا در میان شما یک نفر مسلمان نیست. وای بر شما ای پیروان خاندان ابی سفیان.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در

دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی







مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

